



تاریخ روابط فرهنگی ایران پیش از اسلام

(۴)

خاتمه و نتیجه گیری از این بحث :

علوم یونانی و اسکندرانی در پیشرفت خود در مشرق اندک اندک به کشورهای تابع شاهنشاهی ساسانی، چنانکه دیده ایم، راه جست و به ایران وارد شد و در مداین و گندشاپور و ریو اردشیر و دیگر مواضع مرکز علمی جدید و مهمی بوجود آورد. این نکته را فراموش نمی کنیم که ملت ایران تا این هنگام، یعنی دوره ساسانی از ترقیاتی در علوم برخوردار شده بود و در موسیقی و طب و ریاضیات برائس ارتباطی که از مشرق و مغرب با ملل بزرگی مانند هندوان و بابلیان و ملل آسیای صغیر یافته و اطلاعاتی که خود از قدیم الایام گرد آورده بودند، پیشرفتهایی داشتند. آشنایی ایرانیان با زبان یونانی از دوره هخامنشی و خاصه از عهد تسلط یونانیان شروع شد و حتی اردشیر پاپکان هم در کتیبه نقش رستم زبان یونانی را همراه زبان پهلوی به کار برده است. بنا به روایات مؤلفین عرب و ایرانی پادشاهان ساسانی از اردشیر پاپکان و شاپور به بعد وسایل آشنایی ایرانیان را با علوم مختلف مهیا می کردند. ابن ندیم می گوید که اردشیر برای گرد آوردن کتب از هند و روم و جست و جوی بقایای آثاری که

* آقای دکتر جواد مشکور استاد دانشگاه تهران. رایزن فرهنگی ایران در کشورهای عربی، از پژوهندگان نامی معاصر.

در عراق مانده بود کسان بدان ناحیتها فرستاد و از آنها هر چه را متفرق بود گردآورد و آنچه رامتباين بود تالیف داد و پسرش شاپور نیز این کار را دنبال کرد چنانکه همه این کتب به پهلوی ترجمه شد.

نمود علوم یونانی در ایران بیشتر همراه با رواج آیین مسیح در شاهنشاهی ساسانی بود. در اوایل عهد ساسانی از شهرها مبلغین عیسوی برای نشر دعوت خود به بلاد غربی شاهنشاهی ساسانی روی می نهادند و در همان حال اسرای رومی که در لشکر کشی های شاهان به داخله ایران کوچانده می شدند در این امر بی دخالت نبودند.

در همان اوان که دبستان ایرانیان در رها تشکیل می یافت، گروهی از ایرانیان که قبول عیسویت کرده بودند در کلیساهای الجزیره و سواحل فرات اهمیت یافتند و تألیفات مشهور بوجود آوردند.

از جمله این قوم یکی «فرهاد» رئیس دیرمارمتی در موصل است که در قرن چهارم میلادی می زیست و تألیفات او به سریانی شهرت دارد و دیگر مارآبای اول که در آغاز امر زردشتی بود و بعد از قبول دین مسیح کسب شهرت کرد و در سال ۵۳۶ به مقام جاثلیقی ارتقاء یافت. یکی دیگر از مشاهیر عیسویان ایرانی این عهد بولص ایرانی رئیس حوزه روحانی نصیبین است که کتابی مشتمل بر بحث درباره منطق ارسطو به سریانی برای خسرو انوشروان نوشت و در آن نسبت به اثبات وجود واجب و توحید و سایر نظریات فلاسفه به برتری روش حکما بر روش اهل ادیان اشاره کرد.

بعد از بسته شدن مدرسه ایرانیان رها از اواخر قرن پنجم میلادی اعضاء این دبستان بنا بر نقل مسیحازخا به کشور خود (ایران) بازگشتند و چندین دبستان در بلاد ایرانی تشکیل دادند. بر سوما مطران نصیبین آنان را به نیکی پذیرفت و دانشمند معروف نرسی توانست در آنجا مدرسه بزرگی پدید آورد و بسیاری از محصلان را در آن تربیت کند.

یکی از علل بزرگ رونق مدرسه نصیبین آن بود که پادشاه ایران فیروز (۴۵۹-۴۸۳ میلادی) با استدلالات و راهنماییهای بر سوما دریافت که نسطوریان با وضعی که برای آنان پیش آمده دشمن رومیان شده اند و می توان از خطرشان در ایران ایمن بود.

نسطوریان به جای ادبیات یونانی بیشتر به ادبیات سریانی توجه داشته و کتب خود را به این لهجه تألیف می کرده اند و باید دانست که تحکیم بنیان ادب سریانی بیشتر مرهون زحمات پیشروان «دبستان ایرانیان» و نسطوریان ایرانی است. معلمین کلیساهای نسطوری در ایران همان روش کار دبستان ایرانیان رها را تعقیب کردند و چون به آثار ارسطو توجه بسیار داشتند در کلیساهای خود که در ایران ترتیب دادند با قوت بسیار به تحقیق در روش

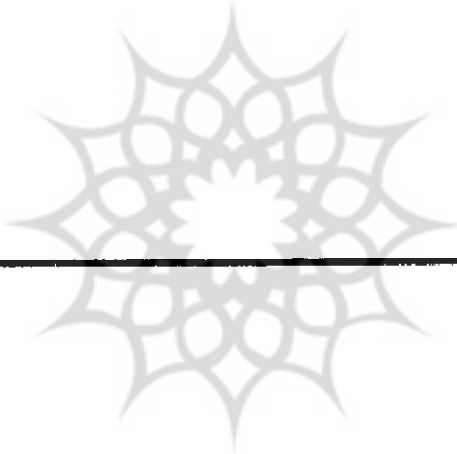
این استاد یا شراح اسکندرانی او توجه کردند و بسیاری کتب به سریانی تألیف وعده‌ای از کتب فلسفی و منطقی را هم به پهلوی ترجمه نمودند.

در سلوکیه مقابل تیسفون بعد از تشکیل مدرسه نصیبین دبستانی پدید آمد که مارآبا جائلیق دوره انوشروان، از دانشمندان بزرگ مسیحی در مشرق در آن به تدریس فلسفه یونانی اشتغال داشت. وی در باب مسائل فلسفی و بحث در تثلیث تألیفات دارد.

گندشاپور از همان اوایل امر مرکزیت علمی یافت و حتی به نقل بعضی از مورخان شاپور فرمان داد عده‌ای از کتب یونانی به پهلوی ترجمه شود و آنها را در شهر مذکور گرد آورند و گویا به فرمان شاپور گندشاپور مرکزیت طب یونانی یافته بود. در عهد شاپور دوم ذوالاکتاف (۳۱۰-۳۷۹ م) تیادورس طبیب نصرانی برای معالجه شاهنشاه به دربار خوانده شد و شاپور او را در گندشاپور مستقر ساخت. وی در آن شهر اشتها یافت و طریقه طبابت او معروف شد و کتابی را منسوب بدو به نام «کناش تیادورس» بعداً به عربی در آوردند. بعد از نشر مذهب نسطوری در ایران بیت لایاط که سابقه ممتد در عیسویت داشت یکی از بزرگترین مراکز مذهبی عیسویان ایران و یک حوزه دینی (متروپولیتن) بزرگ و از مهمترین مراکز تجمع علمای عیسوی و محل تعلیم طب یونانی و آمیزش آن با طب ایرانی و هندی شد و این ترقی خصوصاً در عهد انوشیروان بیشتر برای آن حاصل گشت چنانکه دانشمندان سریانی زبان ایرانی و علمای هندی و زردشتی در آنجا مشغول کار بودند. توجه این علما کمتر به فلسفه و ریاضیات و بیشتر به طب بوده و اصولاً مدرسه طب گندشاپور و بیمارستان آن در اواخر عهد ساسانی به مراحل عالی شهرت ارتقاء جسته بود. در این مدرسه از تجارب ملل مختلف یعنی طب ایرانیان و هندوان و یونانیان و اسکندرانیان و علمای سریانی زبان استفاده میشد ولی همه آنها را با تصرفاتی قبول کرده بودند چنانکه طب ایرانی به قول قفطی از طب یونانی کاملتر شده بود. در بیمارستان گندشاپور عده‌ای از اطباء هندی می‌زیستند که به آموختن اصول طب هندی اشتغال داشتند و چند کتاب از آثار طبیب هند به پهلوی ترجمه شده بود که بعداً به عربی درآمد و در طب اسلامی از این آمیزش اثر فراوان باقی مانده و از ایران پیش از اسلام به تمدن اسلامی نقل شده است. شهرت بیمارستان و مدرسه طب گندشاپور محصلین ملل مجاور را هم به آنجا جلب می‌کرد و از آنجمله است الحارث بن کلدۀ الثقفی طبیب معروف عرب. این مدرسه و بیمارستان و شهرت رؤسای آن تا مدتی از دوره اسلامی هم با قوت سابق باقی ماند.

پیشرفت خارق‌العاده ایرانیان اوایل تمدن اسلامی در ریاضیات و نجوم و هیئت، و ترجمه کتابهایی در باب ریاضیات و نجوم، دلیل بارز ترقیات ایرانیان عهد ساسانی در علوم

ریاضی است. صاعد اندلسی در طبقات الامم گوید: از خصائص مردم ایران توجه آنانست به طب و احکام نجوم و علم تأثیر کواکب در دنیای فرودین، و آنانرا در باب حرکات کواکب ارساد قدیم بوده و مذاهب مختلف در فلکیات داشته‌اند و یکی از آنها طریقه‌ایست که ابو معشر جعفر بن محمد بلخی زیج خود را بر آن ترتیب داد و در آن زیج گفت که آن مذهب علماء متقدم ایران و سایر نواحی است... ابو معشر مذهب ایرانیان را در تنظیم ادوار عالم ستوده و گفته است که اهل حساب از ایران و بابل و هندوچین و اکثر امم که معرفت به احکام نجوم دارند متفقند که درست‌ترین ادوار دوری است که ایرانیان تنظیم کرده و «سنی العالم» نامیده‌اند علماء عهد ما آنرا «سنی اهل فارس» می‌گویند. صاعد اندلسی دنبال این مطالب گوید: ایرانیان کتب مهمی در احکام نجوم داشته‌اند و یکی از آنها کتابی در صور درجات فلک منسوب به زردشت و دیگر کتاب جاماسب است و بهر حال اطلاعات نجومی ایرانیان تحت تأثیر عقاید چینیان و کلدانیان و یونانیان، و با افزایش این تأثیرات بر- اطلاعات اصلی این قوم، در اواخر عهد ساسانی کمال و توسعه بسیار یافته بود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
خریدار دل

این خریداران مفلس را بهل	چه خریداری کنی يك مشت گل
گل مغر، گل رامخور، گل رامجو	زانکه گل خوار است دائم زردرو
دل بجو تا دائما باشی جوان	از تجلی چهره‌ات چون ارغوان
طالب دل شو که تا باشی چو مل	تا شوی شادان و خندان همچو گل

مثنوی مولوی قرن هشتم